

بررسی مفهوم واژه «ترتیل» در قرآن

دکتر محمدرضا حاجی اسماعیلی

چکیده

قرآن هم کلام خداوند و هم تکلم اوست که با تجلی ذات حق در سیاق الفاظ و عبارات عربی مبین هویدا گردیده است. چینش کلمات و پردازش عبارات و ترتیب و تنسيق آیات قرآن در کنار یکدیگر از چنان اسلوب بدیع و متمازی برخوردار است که مخالفان از آن به «شیء عجیب» تعبیر نموده‌اند^(۱). این تعجیب و تحسین واکنش در برابر چینش و پردازش منحصر به فردی است که در زنجیره کلامی قرآن پدیدار گردیده و به اعتقاد پژوهشگر، خداوند در قرآن از آن با واژه «ترتیل» یاد کرده است. البته به این مفهوم ویژه در سیر نزول تدریجی قرآن با «وَرَتَّلْنَا تَرْتِیلًا» و در سیر صدور تدریجی و «إِقْرَأْ نَبِیُّ بَا وَرَتَّلْ الْقُرْآنَ تَرْتِیلًا» اشاره گردیده است. بنابراین پژوهش درباره گستره مفهومی واژه «ترتیل» در قرآن، رهیافتی است برای تلقی سنجیده‌تر از این واژه.

واژه‌های کلیدی

قرآن، واژه، ترتیل، نزول، اسلوب، چینش، کلام.

روش تحقیق

بررسی واژگان قرآن در حوزه مسائل زبانی قرار می‌گیرد. کاوش در این حوزه نیز مستلزم بررسی آرای اندیشمندان و لغت‌پژوهان و مفاد روایات و آیات قرآنی است

بنابراین در این مقاله با توجه به بررسی‌های به عمل آمده روش تحقیق اسنادی و کتابخانه‌ای به کار گرفته شده است.

مقدمه

یکی از لوازم تفسیر و ابزارهای کارآمدی که مفسرین قرآن برای برداشت معنا و مفهوم صحیح آیات قرآن به آن نیازمندند دقت و ژرف‌نگری در معنای واژگان قرآنی است، به طوری که اگر در این باره دقت و تأمل کافی انجام نپذیرد برداشت نهایی و مفهوم پیام الهی دچار اختلال و نارسایی می‌گردد. واژه «ترتیل» از جمله واژگانی است که برای وصول به مفهوم دقیق آن نیاز به کاوش و تحقیق بیشتری است این واژه در دو موضع از قرآن به صورت مصدر مؤکد فعل «مفعول مطلق تأکیدی» در پایان آیه آمده است، با این تفاوت که در سوره فرقان/۳۲ در اسلوب خبری «وَرَتَّلْنَا تَرْتِیلًا» و در سوره مزمل/۴ در اسلوب انشایی «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلًا» بیان گردیده است. این پژوهش بر آن است تا با توجه به آرای لغت‌پژوهان و واژه‌پردازان زبان عربی و استمداد از مفاد روایات صادره از ائمه معصومین^(ع) و قرائین و شواهد قرآنی به معنایی ژرف‌تر از آنچه تاکنون درباره «ترتیل قرآن» گفته آمده بپردازد.

بررسی مفهوم لغوی واژه ترتیل

«ترتیل» مصدر ثلاثی مزید باب تفعیل و حروف اصلی آن (ر، ت، ل) است و «الرتل» به معنای «حسن تناسق الشیء» (۳: ص ۳۲۳) یا «اتساق الشیء وانتظامه علی استقامه» (۱۰: ج ۴، ص ۴۳) به مفهوم زیبایی چینش و هماهنگی است. زمخشری در این باره می‌گوید: «تَرْتِیلٌ یعنی مُتَّفَعٌ مُسْتَوٍ النَّسْبَةِ حَسَنُ التَّنْضِیدِ» به مفهوم دندانه‌های همواری که با فاصله در کنار هم مرتب و یکسان روییده و چیده شده است (۵: ص ۱۹۲). راغب اصفهانی در این باره می‌گوید: «ترتیل» از ریشه «رتل» به معنای جمع شدن و هماهنگی و نظام یافتن چیزی بر طریق مستقیم می‌باشد از این رو به شخصی که دندانه‌هایش از هماهنگی و ترکیب و نظام سالمی برخوردار باشد می‌گویند «رجلٌ رَتَّلُ الْأَسْنَانَ» و چنانچه مفهوم باب مجرد را به باب تفعیل بریم معنای «ترتیل» به دست خواهد آمد و آن جمع کردن و هماهنگی بخشیدن چیزی بر طریق مستقیم است (۴: ص ۱۹۲).

درباره تفاوت مفهوم واژه «ترتیل» با لغات مشابه آن مانند «نسق»، «نضد»، «نظم»، «وصف» گفته شده: واژه «ترتیل» به حسن هماهنگی و نظم و ترتیب در بهترین

شکل آن دلالت دارد در حالی که این واژگان به احسن هماهنگی و نظم نظر نداشته و صرفاً در امر چینش و نظم با «ترتیل» اشتراک دارند پس هنگامی که گفته می‌شود «رتل الکلام» یعنی اجزای سخن را با بهترین شیوه ممکن به هم آمیخت (۱۰: ج، ۴، ص ۴۴).

بنابراین نزد لغت‌پژوهان، درونمایه مفهوم واژه «ترتیل» چینش زیبا و هماهنگ اجزاء در کنار یکدیگر است، البته هنگامی که اسناد این واژه به کلام داده شود به معنای سخن آرایبی یا آرایش کلامی با شیواترین شکل خواهد بود به گونه‌ای که اگر سخنوری در ابراز مقاصد خویش با استفاده از واژگانی روان و پردازش عبارتهایی زیبا و متوازن یک سمفونی گوشنواز و جذاب ایجاد کند گفته می‌شود «فلان رتل فی کلامه».

بررسی دیدگاه برخی از مترجمان قرآن درباره واژه ترتیل

پس از تحلیل لغوی واژه «ترتیل» نزد لغت‌پژوهان، بررسی دیدگاه مترجمان قرآن ضروری می‌نماید. بدیهی است مترجمان با عنایت به مفاهیمی که از این واژه ارائه شده، دست به کار ترجمه زده‌اند. روش بررسی، تطبیق ده ترجمه از مترجمان عمدتاً معاصر قرآن از واژه ترتیل و نوع نگرش آنها به مفهوم مورد نظر می‌باشد.

الف) «و رتل القرآن ترتیلاً»

- ۱- و ترتیل کن قرآن را به واضح خواندن (محدث دهلوی)
- ۲- قرآن را شمرده و آرام، واضح و با درنگ بخوان (جلال‌الدین مجتبی)
- ۳- و قرآن را شمرده و روشن بخوان (عبدالمحمد آیتی)
- ۴- و قرآن را با دقت و تأمل بخوان (مکارم شیرازی)
- ۵- قرآن را شمرده، شمرده بخوان (قولادوند)
- ۶- و قرآن را شمرده و شیوا بخوان (خرمشاهی)
- ۷- و به تأنی بخوان قرآن را به تأنی خواندنی (سیدرضا سراج)
- ۸- و قرآن را آهسته بخوان آهسته خواندنی (محمد خواجوی)
- ۹- و قرآن را با تأنی و آرامی و نیکو بخوان با تأنی و نیکو خواندن کامل (فیض‌الاسلام)
- ۱۰- و به تلاوت آیات قرآن با توجه کامل مشغول باشی (اللهی قمشاهی).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود یکی از ویژگیهای مشترک در ترجمه‌های فوق معادل قرار دادن واژه «رتل» در مفهوم «بخوان» است، در این میان فقط محدث دهلوی

در ترجمه خود عین واژه ترتیل را تکرار نموده «ترتیل کن» و الهی قمشهای نیز «مشغول باش» را معادل آن دانسته است. این در حالی است که همه این مترجمان درباره ترجمه واژه «ترتیل» دچار تششت آرا می‌باشند و برای آن معادل‌های گوناگونی همانند «وضوح»، «روشنی»، «تأمل»، «شمرده شمرده»، «شمرده و شیوا»، «آهسته»، «آرامی و نیکو»، «توجه کامل» پیشنهاد داده‌اند و در حقیقت ترجمه‌ای که ایشان از این عبارت به دست داده بسا تسامح ترجمه عبارت «و اقراء القرآن ترتیلاً» می‌باشد، زیرا اگر در ترجمه واژه رتل قایل به مفهوم «بخوان» باشیم به‌ناچار باید مصدر «ترتیل» را نیز «خواندنی» معنا کرده عبارت را «بخوان قرآن را خواندنی» ترجمه کنیم.

ب) دو رتله ترتیل

- ۱- فرستادیمش به تانی فرستادنی (محدث دهلوی)
 - ۲- آنرا جداجدا، برخی از پی برخی، و به آهستگی برخواندیم (مجتبوی)
 - ۳- آنرا به آهستگی و ترتیب فرو خوانیم (عبدالمحمد آیتی)
 - ۴- آنرا به تدریج بر تو خواندیم (مکارم شیرازی)
 - ۵- و آنرا به آرامی بر تو خواندیم (فولادوند)
 - ۶- و آنرا چنانکه شاید و باید بخوانیم (خرمشاهی)
 - ۷- و بیان کردیم قرآن را برخی از پی برخی (سراج)
 - ۸- و آنرا برخوانیم بر خواندنی (خواجوی)
 - ۹- و برخی از آیات آنرا از پی برخی دیگر با مهلت و درنگ بیان کردیم (فیض‌الاسلام)
 - ۱۰- آیات خود را بر تو مرتب و به روشی نیک و ترتیبی روشن فرو فرستادیم (الهی قمشهای)
- برآیند ترجمه‌های فوق از واژه «رتله» معادل‌های فاسی «خواندیم»، «بیان کردیم» و «فرستادیم» و از واژه مصدر «ترتیل» «تانی»، «آهستگی و ترتیب» و «تدریج» و «جداجدا»، «ترتیب روشن»، «آرامی» و «باید و شاید» و «مهلت و درنگ» است، همان‌گونه که مشاهده می‌شود واژه «رتله» در ترجمه‌های فوق بیشتر به ترجمه عبارت «و اقراءناه ترتیلاً» یا «بیناه ترتیلاً» یا «انزلناه ترتیلاً» شبیه است. اما با توجه به کاربرد واژه «ترتیل» در بخش پایانی هر دو آیه مذکور و مفاهیمی که در ابتدای آنها بدان اشاره شده و با عنایت به مفهوم دقیق و ظریفی که لغویان از این واژه به دست داده‌اند، به نظر می‌رسد هیچ کدام از ترجمه‌هایی که از این دو عبارت عنوان گردید وافی به مقصود نیست. ما در این

مقاله کوشیده‌ایم با در نظر داشتن ابعاد گوناگون لغوی، روایی و نگرش به کلیت و سیاق آیه‌ای که این واژه در آن استعمال گردیده، مفهومی رساتر و گویاتر از آنچه این گروه از مترجمان قرآن بدان تمایل داشته‌اند ارائه نماییم.

بررسی مفهوم واژه ترتیل در ورتلناه ترتیلاً

خداوند در آیه شریفه «و قال الذین کفروا لو لا نزلَ عَلَیْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً کَذَلِكَ لَنُتَبِّتَ بِهِ فُؤَادَکَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِیْلًا»^(۲) به پرسشی که از سوی کافران مطرح گردیده که چرا قرآن بر او [پیامبر] یکباره و دفعتاً فرو فرستاده نشده، پاسخ گفته و دلیل آن را آرامش خاطر بخشیدن به پیامبر برشمرده است. آنگاه در پایان آیه تأکید نموده که ما قرآن را مرتل ساختیم. اکنون با توجه به عطف دو جمله «کذلک لنتبیت به فؤادک» و «رتلناه ترتیلاً» باید به نوع ارتباط بین «تثبیت فؤاد» و «ترتیل قرآن» پی برد. در ابتدا به نظر می‌رسد یکباره نازل نشدن قرآن و استمرار جریان نزول آیات به صورت پراکنده باعث ناهمگونی در ساختار کلی و نمادین مجموعه وحی بگردد، زیرا اشیاء زمانمند در گذر زمان به‌طور طبیعی متحول گردیده و ویژگی‌های نخست خود را از دست می‌دهند. خداوند برای دفع این نگرانی با بیان «وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِیْلًا» تأکید کرده است که ما با چینش بسیار دقیق، اجزاء پراکنده قرآن را در سیر نزول تدریجی با زیبایی و شکوه و به‌طور منسجم و یکپارچه در کنار هم فراهم آورده‌ایم^(۳) بنابراین مشاهده می‌شود که کاربرد واژه «ترتیل» با تأکید ویژه در بخش پایانی آیه بدون ارتباط با مفاهیم مندرج در صدر آیه نیست بلکه دقیقاً مکمل پاسخی است که به کافران داده است، یعنی تأکید بر این نکته که نزول پراکنده آیات و حیانی به جلوه‌های ظاهری مجموعه قرآن آسیبی نخواهد رسانید و این اجزاء متفرق و پراکنده با چینشی بسیار منظم در بهترین اسلوب ممکن در قالب سوره‌های گوناگون فراهم خواهد آمد، به‌طوری‌که نماد کلی آن در گذر زمان آسیب نخواهد دید. خداوند همین ویژگی عجیب قرآن را دلیل حقانیت آن برشمرده و اعلام کرده تا با ژرف اندیشی درباره آن تعمق گردد: «أَفَلَا یَتَذَکَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ کَانَ مِنْ عِنْدِ غَیْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِیهِ اخْتِلَافًا کَثِیرًا» (نساء/ ۸۹)^(۴) زیرا اگر قرار بود سخنانی از این دست در طی سالیانی چند و به‌طور پراکنده از جانب غیر خدا بیان گردد، حتماً دچار نابسامانی و آشفتگی می‌گردید و اتحاد و انسجام در سیاق و مضمون از آن رخت برمی‌یست. بنابراین تعبیر لطیف «وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِیْلًا» به نوعی اشاره به اعجاز بیانی قرآن و

انسجام در تعبیر و عدم اختلاف در ظاهر و باطن قرآن است. درباره این ویژگی قرآن ابن‌سنان خفاجی (م ۴۶۶ ه) می‌گوید: عبارات قرآنی و آیات کلام ربانی همه متلائم و هماهنگ و متناسب و در مرتبه علیاست و با اندکی تأمل تفاوت میان گفتار خستدایی و گفتار دیگران درک می‌شود و نتیجه‌گیری می‌شود که اعجاز قرآن در تناسب و هماهنگی و تلاؤم الفاظ و کلمات است (۲: ص ۸۸).

بنابراین قرآن در سیر نزولی خود «مرتل» نازل گردیده و از این رو واژه «ترتیل» در این مورد به خداوند منسوب گردیده است. این نگرش خاص درباره مفهوم «ترتیل قرآن» در آیه شریفه «... كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً» ترجمه‌ای چنین به دست می‌دهد: «... بدین‌سان [قرآن را یکباره فرو نبردیم] تا دل پر التهاب تو را ثبات بخشیم و ما آن را به شیوه خاصی آراسته و نظام بخشیده‌ایم»^(۵) با توجه به این مفهوم می‌توان گفت: «وَرَتَّلْنَاهُ» یعنی آیات قرآن از نظم و چینش خاصی برخوردار است که با هدف درمان فکر و روح بشر و هدایت و ارشاد او به قله‌های کمال انسانیت هماهنگ گردیده است. علامه طباطبایی^(۶) نیز درباره مفهوم این واژه می‌فرماید: یعنی بعضی از آیات را در پی بعضی دیگر آوردیم به‌گونه‌ای که روابط از میان نرود و آثار منقطع نگردد تا در نتیجه آن غرض و هدف تعلیم تباه نشود بلکه قرآن دارای سوز و آیتی است که بعضی از آنها در پی بعضی دیگر نازل شده و مرتب گشته است (۷: ج ۱۵، ص ۲۱۱). زمخشری نیز با اشاره به همین مضمون گفته است: ترتیل یعنی تلاوت قرآن به‌واسطه تبیین حروف با حفظ توالی و ارتباط لفظی آنها با یکدیگر (۶: ج ۱، ص ۱۷۵).

بررسی مفهوم واژه ترتیل در و رَتَّلِ الْقُرْآنُ تَرْتِيلاً

در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الْمَرْءُ لِمَ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا نَفَسَهُ أَوْ انْقَضَ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدَ عَلَيْهِ وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً»^(۶) بدون تردید پیامبر گرامی و امین وحی الهی مورد خطاب است، ولی از باب (ایاک اعنی و اسمعی یا جاره)^(۷) باید اذعان نمود که این خطاب شامل همه تلاوتگران قرآن است. زیرا قرآن که مجموعه آیات و حیسانی و مرکب از عبارات و جملات با اسلوب ویژه و منحصر به فرد خود می‌باشد چنانچه با همان سبک و اسلوبی که نازل گردیده قرائت گردد قرآن خواهد بود وگرنه صرف قرائت عبارات و جملات و حیانی با سبک و اسلوبی که منجر به اختلال در مقاصد الهی گردد از شمول قرآن بیرون است و به خواننده آن هم تالی قرآن اطلاق نمی‌گردد، بنابراین و با توجه به

مفهوم لغوی واژه ترتیل به نظر می‌رسد که دقیق‌ترین مفهوم از «وَرْتَلُ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا» این است که «قرآن را به بهترین شیوه ممکن بیارای» البته منظور از قرآن‌آرایی نیز همان مفهومی است که در روایتی از امام علی^(ع) در پاسخ به سؤال شخص اعرابی از مفهوم واژه «ترتیل» نقل گردیده که فرموده‌اند: «الترتیل تجوید الحروف و حفظ الوقوف» (۱): ج ۱، ص ۲۹۸) و به‌راستی اگر این دو رکن اساسی که اولین رکن آن به «زیباشناسی» و دومین رکن آن به «معناشناسی» قرآن اشاره دارد دچار آسیب گردد اعجاز قرآن مختل گردیده و قرآنیّت قرآن زایل می‌شود. زیرا اعجاز قرآن و امدار سبک و اسلوب ویژه و چینش منحصر به فرد کلمات و عبارات و آیات آن است و از این نظر که هدف نهایی از نزول آیات باهرات الهی تربیت ابنای بشر و سوق دادن او به‌منظور شناخت حقایق عالم هستی است و این هدف جز با قرائت صحیح واژگان قرآنی محقق نمی‌گردد، التزام به ترتیل قرآن با رعایت دو رکنی که امام علی^(ع) بدان اشاره فرموده‌اند ضرورتی تام و تمام می‌یابد. با توجه به رکن اول «ترتیل» که به معنای بیان صحیح و واضح واژگان است درمی‌یابیم چون زبان قرآن مبتنی بر فصیح‌ترین گویش‌های کلامی عرب است باید در ادای واژگان به‌شدت مراقب بود تا هریک از حروف با ظرافت ویژه خود تلفظ گردند وگرنه مفهوم واژگان تغییر یافته و همین باعث مخدوش شدن پیام قرآن می‌گردد و مقاصد الهی که در گرو بیان صحیح الفاظ است برآورده نمی‌شود. از طرفی رکن دوم «ترتیل» به معنای مراقبت و صیانت از حدود عبارات و جملات و درنهایت سبک و اسلوب آیات قرآن است. حال چنانچه با توقف در مقاطع کلامی نامناسب یا ایجاد برشهای نامتوازن یا تحریرهای صوتی و تنغیم ناهمگون^(۸) نظام منسجم و یکپارچه آیات و سبک و اسلوب سخن درهم بریزد و فهم مقاصد آیات قرآنی مختل گردد، به‌طوری‌که مقاصد الهی که در گرو قرائت صحیح متن قرآن است برآورده نشود قرآنیّت قرآن زایل گشته است. برای تقریب ذهن اگر چنانچه آیات شریفه سوره مبارکه حمد این‌گونه قرائت شود «بسم الله الرحمن / الرحیم الحمد / لله رب العالمین الرحمن / الرحیم مالک / یوم الدین ایاک / نعبد و ایاک / ...» با فرض اینکه همه این واژگان از نظر آوایی صحیح قرائت شوند آیا می‌توان ادعا نمود قرآن تلاوت شده است؟ قطعاً جواب منفی است، زیرا آرایش کلامی و نظام چینشی بین اجزای سخن درهم ریخته است، بنابراین نمی‌توان آن را «وحی الهی» تلقی نمود. در پایان اشاره می‌نماییم که قرآن‌پژوهان درباره واژه «ترتیل» با توجه به مفهوم لغوی آن و عنایت به روایتهای منقول از ائمه طاهرين صلوات الله عليهم اجمعين به نکات دیگری نیز اشاره نموده‌اند برای

نمونه شیخ طوسی^(ره) درباره مفهوم واژه «ترتیل» می‌گوید: «وَ التَّرْتِيلُ تَرْتِيبُ الحُرُوفِ علی حَقِّهَا فی تِلَاوَتِهَا وَ تَثَبُّتٌ فیها» وی سپس به نقل از مجاهد آورده که «معناه تَرَسُّلٌ تَرَسُّلاً» و در نهایت با اشاره به سخن زجاج می‌گوید: «معناه یَبِئَنهُ تَبِیَاناً أی بَیِّنٌ جَمِیعَ الحُرُوفِ وَ ذَٰلِکَ لَا یَسْتَمُ بِأَنَّ یَعْجَلَ فِی القِرَاءَةِ» (۸: ج ۱۰، ص ۱۶۲) روایتی را نیز ثقة‌الاسلام کلینی در کتاب *اصول کافی* از امام صادق^(ع) به نقل از امام علی^(ع) به این مضمون آورده است: «عن عبدالله بن سلیمان سَأَلْتُ ابا عبدالله عن قَوْل الله عزوجل «وَ رَتَّلَ القُرْآنَ تَرْتِیلاً» قَالَ ، قال امیرالمؤمنین^(ع): «بِیِّنَةٍ تَبِیَاناً وَ لَا تَهْذَهُ هَذَ الشُّعْرَ وَ لَا تَشْتُرُهُ نثر الرَّمْلِ وَ لکن اقرعوا قلوبکم القاسیه وَ لَا یکنَ هَمَّ اَحَدُکُمْ اَخِیرَ السُّورِ» یعنی عبدالله بن سلیمان می‌گوید: از امام صادق^(ع) درباره این سخن خدای عزیز و جلیل «وَ رَتَّلَ القُرْآنَ تَرْتِیلاً» پرسیدم فرمود: امیر مؤمنان^(ع) فرمود: آیات قرآن را به روشنی تلفظ نما و همچون شعر خواندن، آن را با شتاب و سرعت نخوان و همچون ریگ با فاصله پراکنده مکن! و لیکن به وسیله آن دلهای سخت خویش را سخت بکوبید و مبادا فکر و خیال احدی از شما رسیدن به انتهای سوره باشد (۹: ج ۶، ص ۴۲۸).

همان‌گونه که از مفاد این روایت و دیدگاه شیخ طوسی^(ره) برمی‌آید رعایت ترتیب و نظم حروف و کلمات و آیات قرآن و آرامش در هنگام تلاوت و توجه به مفاهیم والای قرآنی از دیگر لوازم واژه «ترتیل» است. بنابراین ادب تلاوت اقتضا دارد تا همه مسلمانان هنگام قرائت قرآن که حد واجب آن، قرائت آیات الهی در نماز و نیایش روزانه است، به‌منظور درک مفاهیم والای سخن و پاسداری از حریم آیات باهرات الهی قرآن را با نهایت آرامش و رعایت «ترتیل» به صورت «مرتل» تلاوت نمایند، همان‌گونه که خداوند آن را *مرتل* نازل فرموده است «وَ رَتَّلْنَا تَرْتِیلاً».

نتیجه

قرآن والاترین موهبت الهی است که در آخرالزمان به بشر ارزانی گردیده است، به‌راستی اگر سخنی شیواتر با درونمایه‌ای فراتر از قرآن امکان داشت خداوند سبحان همان را بر وجود مقدس خاتم انبیاء نازل می‌فرمود. نزول قرآن همان تجلی ذات حق تعالی در سیاق کلمات و عبارات و حیاتی است، بنابراین قرآن هم کلام خداوند است هم تکلم او در این میان، هم شیوه تنزل تدریجی قرآن «مرتل» است «وَ رَتَّلْنَا تَرْتِیلاً» و هم شیوه تبلیغ و اقراء پیامبر «وَ رَتَّلَ القُرْآنَ تَرْتِیلاً» و سرّاً اعجاز بیانی قرآن در بطن «ترتیل» نهفته است.

پی‌نوشت

- ۱- اشاره است به آیه شریفه «... و قال الکافرون هذا شیء عجیب» سوره ق آیه ۲.
- ۲- «و کسانی که کافر شدند، گفتند: چرا قرآن یکجا بر او نازل نشده است؟ این گونه «ما آنرا به تدریج نازل کردیم» تا قلبت را به وسیله آن استوار گردانیم و آنرا به آرامی بر تو خواندیم. ر.ک: قرآن مجید، محمدمهدی فولادوند، قم، دارالقرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳، یک جلد.
- ۳- بدیهی است که قرآن کریم دارای فصل‌بندی موضوعی نیست به گونه‌ای که همه مطالب مربوط به یک موضوع را یکجا مطرح کرده باشد بلکه مطالب به صورت پراکنده و در سوره‌های مختلف آمده است، در عین حال آیات پراکنده آن مرتبط به یکدیگر و ناظر برهم‌اند.
- ۴- «آیا در قرآن اندیشه و تدبیر نمی‌کنند که اگر از جانب غیر خدا بود اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند. ر.ک: فولادوند، پیشین.
- ۵- خطابی نیز بلاغت قرآن را در زیبایی کلمات و نظم آنها از لحاظ ترکیب و در بر داشتن معانی عالیه دانسته و گفته است «و اعلم ان القرآن انما صار معجزاً لأنه جاء بأفصح الالفاظ فی احسن منظوم التالیف مضمناً اصح المعانی» ر.ک: ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن، ص ۱۲۲ و ۱۲۳.
- ۶- «شب را زنده بدار مگر اندکی را، نیمه‌ای از آن را، یا اندکی از نیمه کم کن، یا اندکی بر نیمه بیفزای و قرآن را شمرده و روشن بخوان.» ر.ک: قرآن مجید، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات سروش، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.
- ۷- به معنای (تو مقصود منی و ای همجوار آن تو بشنو [زیرا در واقع تو مورد نظر من هستی]) از امثال سائره عرب است و نظیر آن در فارسی (به در می گویم، دیوار تو بشنو) است در کتاب فضل القرآن، باب النوادر اصول کافی، ج ۲، ص ۶۰۲، حدیث چهاردهم از امام صادق (ع) روایت شده که فرموده‌اند: نزل القرآن بایاک اعنی و اسمعی یا جاره. و طریحی نیز در مجمع البحرین در ذیل کلمه «عنی» با اشاره به این ضرب‌المثل می‌نویسد: «هو مثل یراد به التعریض للشیء یعنی ان القرآن خوطب به النبئی (ص) لکن المراد به الامه» این ضرب‌المثل مصرعی از دو بیت شعری است که سهل بن مالک فزاری در کنار خیمه خواهر حارثه بن الأم رئیس یکی از قبایل طی سروده است وی در حالی که خطاب به خیمه وی کرد و منظورش خواهر حارثه بود، گفت:

| | |
|----------------------------|--------------------------|
| یا أخت خیر البدو و الحضاره | کیف ترین فسی فتی فزاره |
| أصبح یهوی حره معطاره | ایاک عنی و اسمعی یا جاره |

۸- تلاوت قرآن با اسلوبهایی مانند تطریب، ترجیع، ترفیص، تحزین، ترعید، تحریف و تلاوت با آلات موسیقی که تنگیم صوتی در آنها باعث اختلال در ترتیل قرآن یعنی دو رکن تجوید الحروف و حفظ الوقوف می‌شود و قرآنیّت قرآن را مخدوش می‌سازد جایز نیست. برای اطلاع بیشتر بنگرید به حق التلاوة، حسینی شیخ عثمان، ص ۳۳ فصل: فی اسالیب القرأة غیر الجائزة.

منابع

- ۱- ابن الجزری، شمس‌الدین محمد بن یوسف. *التشریح فی القراءات العشر*، به تحقیق دکتر محمد سالم محیسن، مکتبه القاهره، مصر، بی‌تا.
- ۲- ابن‌سنان الخفاجی، ابو عبدالله بن محمد بن سعید. *سرالفصاحه*، به شرح و تعلیق عبدالمتعال الصعیدی، مکتبه محمد علی صبیح و اولاده، مصر، ۱۹۶۹م.
- ۳- البستانی، المعلم بطرس. *محیط المحيط قاموس مطول للغة العربیة*، مکتبه لبنان، بیروت، ۱۹۷۷م.
- ۴- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. *معجم مفردات الالفاظ القرآن*، به تحقیق نندیم مرعشلی، دارالکاتب العربی، ۱۹۷۲م.
- ۵- الزمخشری، محمود بن عمر جارالله. *اساس البلاغه*، به تحقیق استاد عبدالرحیم محمود، دارالمعرفه بیروت، ۱۹۷۹م.
- ۶- _____ . *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، دارالفکر للطباعة، بیروت، بی‌تا.
- ۷- طباطبائی، محمدحسین. *المیزان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۸هـ. ق.
- ۸- طوسی، محمد بن حسن. *التبیان فی تفسیر القرآن*، به تحقیق و تصحیح احمد حبیب قصیرالعاملی، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
- ۹- کلینی، محمود بن یعقوب. *اصول کافی*، ترجمه آیت‌الله کمره‌ای، اسوه، وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران، ۱۳۷۲.
- ۱۰- مصطفوی، حسن. *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، مؤسسه طبع و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴، تهران.